

جایگاه آمریکا و چین در ترتیبات امنیتی منطقه آسیای شرقی (۲۰۱۷-۲۰۰۹)

شایان جوزانی کهن^۱، شاهین جوزانی کهن^۲

چکیده

چین پس از اصلاحات اقتصادی که از دهه ۷۰ میلادی در این کشور آغاز شد، به رشد پایدار و چشمگیری طی دهه‌های بعد از آن دست یافت. این روند روبه رشد در هزاره جدید میلادی با توسعه روابط اقتصادی چین و افزایش سرمایه‌گذاری این کشور در منطقه آسیای شرقی همراه بود. این درحالی است که ایالات متحده که پس از جنگ جهانی دوم، حضور گسترده‌ای در ترتیبات امنیتی منطقه آسیای شرقی داشته است، هم‌اکنون بدلیل ضعف‌های اقتصادی، آمریکا از حضور فعال‌تر در منطقه نسبت به چین عقب افتاده است. مقاله حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده است به دنبال یافتن ضعف‌های اقتصادی ایالات متحده و تأثیرگذاری آن بر سیاست خارجی آن کشور در منطقه آسیای شرقی است. ایالات متحده تلاش کرده است که با وجود مشکلات اقتصادی، کماکان حضور خود را در منطقه آسیای شرقی با اجرای راهبردهای متعددی حفظ کند. ایجاد شکل جدیدی از شراکت‌ها در منطقه آسیای شرقی با هدف نزدیک ساختن مواضع کشورهای منطقه به آمریکا از جمله راهبردهای این کشور بوده است.

واژگان کلیدی: ایالات متحده، آسیای شرقی، معماری امنیتی، منطقه‌گرایی باز، چین.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

مقدمه

مناسبات تجاری خود با کشورهای منطقه آسیای شرقی افزوده است. این موضوع به نوبه خود موجب کاهش اثرگذاری ایالات متحده در مناسبات اقتصادی منطقه آسیای شرقی نسبت به چین شده است.

چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ

در این مقاله از مکتب کپنهاگ در قالب چارچوب نظری استفاده شده است. بوزان که یک نواقف‌گر است، به شکل بسیار مبسوط‌تر، مستدل‌تر و قوی‌تری امنیت مضیق را به زیر سوال می‌برد و امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). مفهوم تهدید وجودی^۱ یکی از مباحثی است که در زمینه تهدید مورد توجه مکتب کپنهاگ قرار گرفته است. مفهوم تهدید وجودی ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال، تخریب و یا آسیب جدی روبرو می‌سازد (همان، ۱۲۸).

از آنجائیکه امنیت در مکتب کپنهاگ ابعاد مختلفی را شامل می‌شود، تهدید وجودی نیز می‌تواند در هر یک از این ابعاد متوجه بازیگران باشد. از نظر مکتب کپنهاگ، تهدیدات وجودی در بخش اقتصادی در ماهیت و ذات اقتصاد بازار نهفته است. رقابت شدید خارجی، محدودیت صادرات محصولات خارجی، دخالت در قیمت‌ها، ارز و نرخ بهره، مشکلات کسب اعتبار، انواع پرداخت دیون در مجموعه تهدیدات بخش اقتصادی قرار دارند (همان، ۱۲۹).

حضور ایالات متحده در دو جنگ پرهزینه در خاورمیانه، کاهش توجه کافی این کشور به تحولات اقتصادی و امنیتی در منطقه آسیای شرقی، افزایش تعاملات اقتصادی چین با کشورهای پیرامونی، رشد مستمر اقتصادی چین و نوسازی نظامی این کشور از جمله موارد قابل ملاحظه در نظم منطقه‌ای آسیای شرقی در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو. بوش بود.

تردید در مورد اهداف راهبردی چین، رقابت‌های اقتصادی موجود در منطقه آسیای شرقی از منظر واشنگتن و نبود نظام امنیتی موثر و کارآمد در منطقه آسیای شرقی برای پاسخ به تهدیدات امنیتی سبب شد تا اوباما به اتخاذ سیاستی بازنگری شده در قبال چین و منطقه آسیای شرقی مبادرت بورزد. بازنگری در اولویت‌های سیاست خارجی در منطقه آسیای شرقی با توجه به برنامه‌ریزی برای کاهش هزینه‌های نظامی ایالات متحده از جمله رویکردهای اوباما برای تأثیرگذاری بیشتر در منطقه آسیای شرقی بود.

این جهت‌گیری‌ها با توجه به منابع رو به کاهش ایالات متحده برای پیاده‌سازی سیاست‌های مورد نظر خود، با مشکلات فراوانی در جهت اجرا مواجه بوده است. ایالات متحده در سال‌های اخیر به دنبال کاهش نیروهای نظامی خود برای تقلیل هزینه‌های دولت این کشور بوده است. این در حالی است که چین با برخورداری از رشد اقتصادی با ثبات خود از توانایی لازم برای پرداخت هزینه‌های نظامی و امنیتی در منطقه آسیای شرقی برخوردار است. چین همچنین در پی پیشرفت‌های خود در حوزه اقتصاد بر

¹ Existential Threat



رامسفلد وزیر دفاع سابق آمریکا در سال ۲۰۰۵ عنوان کرد که مدرن سازی نظامی چین به هیچ وجه نمی تواند دفاعی باشد، زیرا هیچ ملتی چین را تهدید نمی کند (Layne, 16). نفوذ راهبردی چین در حال افزایش و در تمامی حوزه ها از جمله نوسازی نظامی به منظور رقابت با آمریکا در منطقه آسیای شرقی است (Chadha, 2014: 32).

منطقه آسیا-اقیانوسیه در دوره اول ریاست جمهوری اوباما به یکی از بالاترین اولویت های سیاست خارجی آمریکا درآمد. مناقشات سرزمینی دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی، روی کار آمدن کیم جونگ اون به رهبری کره شمالی و مدرن سازی نظامی سریع چین در طول دو دهه گذشته از جمله مهمترین موضوعات امنیتی بودند که دولت اوباما را در چالشی پیچیده قرار دادند (Tsai, 2013: 3).

باتوجه به رشد سریع اجتماعی-اقتصادی و نوسازی نظامی چین، این کشور به یکی از چالش های اصلی آمریکا در سال ها و دهه های آینده تبدیل می شود. از این منظر، ایالات متحده تلاش می کند تا از استراتژی نفوذ راهبردی در جهت تأمین منافع آمریکا و جذب بازیگران فعال در منطقه آسیا-اقیانوسیه استفاده نماید. باتوجه به قدرت در حال افزایش چین، نفوذ راهبردی این کشور در منطقه آسیا-اقیانوسیه و فراتر از آن در حال گسترش است. در سال های اخیر چین رفتارهای مدعیانه ای را نسبت به همسایگان خود به خصوص ژاپن در ارتباط با جزایر دیائویو - سنکاکو انجام داده است. در نوامبر ۲۰۱۳، چین جزایر دیائویو- سنکاکو در دریای چین شرقی را به عنوان منطقه

دو فاکتور اساسی می تواند تهدیدات بخش اقتصادی را به تهدیدات وجودی تبدیل کند: اول آنکه، این تهدیدات بقای جمعیت کشور را مورد تهدید قرار دهد و دوم، تهدیدات و آسیب پذیری های اقتصادی، تأثیر استراتژیک بر بخش نظامی داشته باشد (همان، ۱۳۰-۱۲۹). دولت ها همچنین می توانند از برتری های اقتصادی خود برای کسب امتیازات سیاسی بهره گیرند (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

نگاه ایالات متحده به روند رشد چین

روابط استراتژیک میان آمریکا و چین با بی اعتمادی و عدم اطمینان پیگیری می شود. از دیدگاه آمریکا، رشد چین هم فرصت و هم تهدید است (Dormandy, 2013: 36). برای چین در مواجهه با آمریکا استراتژی سیاسی بهینه، زمان گرفتن برای رشد اقتصادی است، تا به طور موثرتری در مقابل آمریکا از نظر نظامی موازنه برقرار کند و هژمونی منطقه ای موردنظر خود را در آسیای شرقی ایجاد کند (Layne, 2008: 14). چین با استفاده از قدرت اقتصادی و نظامی خود در حال شکل دهی نظم منطقه ای است که به دولت های جنوب شرقی آسیا اجازه می دهد بطور آزادانه بدون ایجاد هیچگونه تعهد پایداری برای آنها، از یکی از قدرت ها طرفداری کنند. چین با بهره برداری از قدرت خود در زمینه های امنیتی، تولید و سرمایه گذاری تلاش دارد تا وضعیتی از توازن نامتعادل^۱ را در شرق آسیا حفظ کند (De astro, 2013 : 334).

مدرن سازی ارتش چین مسئله ای است که از دوران جورج دبلیو بوش نیز مورد توجه ویژه آمریکا قرار داشته است.

¹ Unstable Balancing

ایجاد کرد. این تغییر در برگزیده همکاری متحدان با ایالات متحده در سیاست‌های این کشور و پرداخت هزینه‌ها به صورت مشترک بود. این سیاست در زمان جورج دبلیو بوش نیز در جریان جنگ با افغانستان و عراق پیگیری شد. از آغاز جنگ سرد، ایالات متحده از طریق سیستم اقتصادی و نظامی خود و تعاملات گسترده با کشورهایمانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا تلاش نموده است تا به عنوان بازیگری فعال در منطقه آسیای شرقی ایفای نقش نماید. با این حال، افزایش روزافزون قدرت چین به عنوان بزرگترین چالش برای آمریکا در این منطقه، این کشور را نگران کرده است (Chadha, Ibid: 31). در جنگ سرد، رویکرد آمریکا در اروپا و آسیای شرقی، ادغام این دو منطقه بطور همزمان در خود بود. اما رویکرد آمریکا در مقابل چین در حال خیزش، توازن قدرت در منطقه آسیای شرقی می‌باشد. با این وجود هیچ یک از همسایگان آسیایی کشور چین منابع کافی را برای موازنه در مقابل چین ندارند (Ross, 2013: 20).

در میان قدرت‌های نوظهور، چین دارای بیشترین پتانسیل برای رقابت نظامی با ایالات متحده در آینده است. ایالات متحده به تلاش برای تحکیم اتحادهای دوجانبه در سراسر آسیا، محدود کردن نفوذ چین در بین کشورهای همسو با آمریکا در منطقه آسیای شرقی و پرهیز از مواجهه مستقیم با چین مبادرت ورزیده است. ایالات متحده به دنبال تقویت روابط امنیتی با ژاپن، احیای مجدد اتحادهای دوجانبه خود در آسیای شرقی و انتقال و استقرار واحدهای دریایی و

شناسایی دفاع هوایی^۱ اعلام کرد. باتوجه به این اطلاع-رسانی، تمامی هواپیماهایی که از این منطقه عبور می‌کنند، می‌بایست اطلاعات پرواز خود را به مقامات چینی اعلام نمایند. این اقدام از سوی چین، نگرانی آمریکا و کشورهای همسو با سیاست‌های ایالات متحده در این منطقه را بر-انگیخت (Gupta & Shrivastav, 2014: 18-19). بطور کلی می‌توان گفت که نظام بین‌الملل به مجموعه‌ای از مناطق تقسیم شده و آن دسته از بازیگران کلیدی در هر منطقه که قابلیت به چالش کشیدن نظم منطقه‌ای را دارند، شناسایی می‌شوند. چین یکی از بازیگران موثر در منطقه آسیا-اقیانوسیه است که از سایر رقبای ایالات متحده، قدرت تأثیرگذاری بیشتری بر نظم منطقه‌ای و نظم بین‌المللی دارد.

کاهش قدرت ایالات متحده و تجدیدنظر در سیستم کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا در منطقه آسیای شرقی

ایالات متحده که پس از جنگ جهانی دوم تلاش نمود با اختصاص کمک‌های اقتصادی و نظامی به کشورهای هدف این بازیگران را با سیاست‌های خود همسو نماید. در واقع در دوران ابتدایی شکل‌گیری این سیستم، ایالات متحده که متحمل خسارات کمتری در جنگ جهانی دوم شده بود به بازسازی کشورهای متحد خود پرداخت. در دوره ریاست جمهوری جورج اچ. دبلیو. بوش و جنگ اول خلیج فارس، ایالات متحده تغییری در تعامل با سیستم متحدان خود

¹ Air Defence Identification Zone (ADIZ)



برای موازنه کردن خیزش چین و بازداشتن آن از گسترش قدرت منطقه‌ای است (Ibid, 24-25). ایالات متحده برای جلوگیری از افزایش نفوذ چین در منطقه آسیای شرقی تلاش دارد تا با استقرار قابلیت‌های نظامی کشورهای منطقه را به خود وابسته نماید (Ibid, 25).

کاهش بودجه ایالات متحده در سال‌های آینده

هزینه‌های سنگین جنگ در افغانستان و عراق، رکود اقتصادی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و افزایش بدهی خارجی دولت ایالات متحده از جمله چالش‌هایی هستند که این کشور را به فکر کاهش هزینه‌های دولت و بکارگیری بودجه‌ای متوازن و متعادل انداخت. ضعف‌های اقتصادی ایالات متحده و قانون کنترل بودجه سال ۲۰۱۱ که فرمان کاهش هزینه‌های دولت ایالات متحده را صادر کرد، موجب محدودیت‌هایی برای این کشور در زمینه حضور فرمانطقه-ای شده است (Whyte & Weitz, 2015: 1).

در مارس ۲۰۱۳، امضای لایحه سیکوستریشن توسط اوباما تأثیر زیادی بر کاهش بودجه گذاشت. این قانون جدید می‌تواند به کاهش ۵۰۰ میلیارد دلاری بودجه در دهه آینده منتهی شود. براساس تفسیر اشتون کارتر وزیر دفاع وقت آمریکا از این لایحه پیامدهای آن بر فعالیت‌های نظامی ایالات متحده موارد زیر خواهد بود:

(الف) اکثر واحدهای پروازی پایین‌تر از سطح آمادگی قابل-قبول خواهند بود؛

(ب) کاهش یک‌سومی در عملیات‌های دریایی و هوایی در آسیا-اقیانوسیه.

هوایی اضافی از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام است. چین تلاش خود را برای تغییر ساختارهای منطقه به منظور تضعیف آمریکا می‌نماید و به همین منظور قابلیت‌های نظامی و سیاسی خود را برای به چالش کشیدن ایالات متحده در منطقه تقویت می‌نماید. این کشور به آهستگی در حال توسعه نیروی دریایی است که می‌تواند فراتر از جلوگیری از مداخله‌ی پیش‌دستانه آمریکا در تنگه‌ی تایوان رفته و از ورود نیروی دریایی آمریکا به دریاهای چین شرقی و چین جنوبی جلوگیری کند. چین همچنین از سال ۲۰۰۶ تاکنون هزینه‌های دفاعی خود را تا دو برابر هر ساله افزایش داده است (De Castro, Ibid: 334).

رشد نظامی و اقتصادی فوق‌العاده چین و تنش در دریای چین جنوبی موجب عدم قطعیت عمیق‌تر در میان کشورهای جنوب شرق آسیا در مورد آینده منطقه شده است. شکاف روبه گسترش از نظر قدرت اقتصادی و نظامی بین چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا چنین ابهامات و دغدغه‌هایی را تشدید کرده است (Mishra, 2014: 151). بدون شک، تنش‌های در حال افزایش بین چین و دیگر دولت‌های مدعی در اختلافات سرزمینی، موجب توجه آمریکا برای نفوذ در منطقه می‌گردد (De Castro, Ibid: 336).

سیاست چرخش به آسیا^۱ بطور مشخص به تلاش برای توسعه همکاری‌های راهبردی با محدوده گسترده‌ای از کشورهای آسیای شرقی و شرکای امنیتی جدید با هدف تضعیف قدرت چین است (Ross, Ibid: 20). ایالات متحده به دنبال حضور نظامی و سیاسی در آسیای شرقی

¹ Pivot to Asia

می‌شوند و قادر به انجام هیچ مأموریتی نخواهند بود. تحت برنامه‌های فعلی، ایالات متحده بودجه نظامی خود را تا رقم ۴۸۷ میلیارد دلار در طول ۱۰ سال پیش‌رو، کاهش می‌دهد (Whyte and Weitz, Ibid: 3). در قانون بودجه سال ۲۰۱۵، محدودیت بر روی هزینه‌های غیرالزامی در هر دو بخش نظامی و غیرنظامی افزایش یافت. این محدودیت‌ها موجب کاهش بودجه در هریک از این دو بخش تا رقم ۲۵ میلیارد دلار برای سال مالی ۲۰۱۶ شد (Lynch, Ibid: 4). حتی اگر تا سال ۲۰۲۰ نیروی دریایی آمریکا، ۶۰ درصد از ناوگان خود را به سوی اقیانوس آرام منتقل کند، ادامه کاهش بودجه فعلی آن را تبدیل به نیروی دریایی کوچکتری می‌کند. برای نمونه، بودجه وزارت دفاع آمریکا در سال ۲۰۱۵، سرمایه‌گذاری برای ساخت کشتی‌های نیروی دریایی را از ۱۷.۹ میلیارد دلار به ۱۴.۴ میلیارد دلار کاهش داد. تلاش ایالات متحده برای احیای استقرار سلاح‌های هسته‌ای و یا توسعه فناوری‌های غیرهسته‌ای جدید، از جمله از طریق استراتژی متعادل‌سازی جدید پنتاگون نیز با بودجه محدود با بن‌بست مواجه شده است (Whyte and Weitz, Ibid: 4).

سیاست اطمینان‌دهی مجدد راهبردی

در اوایل دوران ریاست جمهوری اوباما، آمریکا سیاست اطمینان‌دهی مجدد راهبردی را در قبال چین به منظور کاهش هزینه‌های امنیتی و محدودسازی چین و به‌زعم خود ایجاد اعتماد متقابل بین دو کشور در دستور کار قرار داد (Tsai, Ibid: 7). در واقع اطمینان‌دهی مجدد راهبردی

سیکوستریشن^۱ می‌تواند ۵۰ تا ۵۵ میلیارد دلار کاهش بودجه سالیانه نظامی را تا سال ۲۰۲۱ در پی داشته باشد که به نوبه خود تأثیر منفی بر فعالیت‌های نوسازی خواهد گذاشت. نیروی هوایی آمریکا کنار گذاشتن یک‌سوم از ناوگان خود را آغاز کرده است (Chadha, Ibid: 42-43). سیکوستریشن لغو خودکار هزینه‌های تصویب شده در گذشته را میسر می‌سازد. هدف سیکوستریشن، اطمینان یافتن از نیازمندی‌های بودجه قانونی است. برقراری محدودیت‌های قانونی بر روی هزینه‌های غیرالزامی و یا اطمینان یافتن از اینکه منافع جدید و قوانین دربرگیرنده هزینه‌های اجباری اثری بر کسری بودجه ندارند (Lynch, 2015: 1). سیکوستریشن دربرگیرنده سازوکار اجرایی برای محدودیت‌های قانونی بر هزینه‌های دفاعی و غیردفاعی است. همانطوریکه این محدودیت‌ها توسط قانون کنترل بودجه مقرر شده‌اند. قوانینی که محدودیت‌های بودجه‌ای را نقض می‌کنند، سیکوستریشن به صورت خودکار هزینه‌های غیرالزامی را با حدود مشخص شده در قانون کاهش می‌دهد. قانون کنترل بودجه، فرایند خودکاری را برای کاهش هزینه‌ها از سال ۲۰۱۳ آغاز کرد. سیکوستریشن هم توافق برای قانون کاهش کسری بودجه را تشویق می‌کند و هم کاهش خودکار هزینه‌ها را برای رسیدن به بودجه‌ای متعادل در اهداف خود دارد (Ibid, 1-2).

چاک هگلوزیر دفاع وقت آمریکا در سال ۲۰۱۴ هشدار داد که اگر سیکوستریشن همانگونه که برنامه‌ریزی شده، ادامه پیدا کند، نیروهای نظامی به نیروهایی توخالی تبدیل

¹ Sequestration



تبادلات نظامی و مشارکت سیاسی گسترده آمریکا در منطقه از جمله این موارد است (Sutter, 2013: 31).

مهمترین عرصه‌های حضور آمریکا در منطقه را می‌توان چنین بیان کرد:

الف) استقرار جدید نیروها در استرالیا، استقرار جدید نیروی دریایی در سنگاپور، ایجاد زمینه‌های جدید برای همکاری نظامی با فیلیپین؛

ب) با وجود کاهش سطح کلی هزینه‌های دفاعی ایالات متحده، حضور نظامی این کشور در شرق آسیا تقویت خواهد شد. این حضور نظامی با توزیع گسترده‌تر در منطقه، منعطف‌تر و از نظر سیاسی، در تلاش برای پایدار ماندن خواهد بود؛

ج) عضویت در اجلاس شرق آسیا به عنوان یکی از سازمان‌های چندملیتی گسترده منطقه؛

د) تأکید بر توافقنامه شراکت فرایاسفیک (Manyin, 2012: 1).

ایالات متحده همچنین به مناقشات سرزمینی در دریای چین جنوبی توجه خاصی نشان داده است. این کشور تصور می‌کند که چین قصد دارد با در اختیار گرفتن دریای چین جنوبی، آمریکا را از این منطقه عقب براند.

دولت اوپاما تلاش نموده است تا به مناقشات موجود در دریای چین جنوبی با استفاده از طیف وسیعی از ابزارهای سیاسی پاسخ دهد، از جمله:

الف) آمریکا تلاش می‌نماید تا با بیان کردن موضوع آزادی ناوبری در دریای چین جنوبی چین را تحت فشار قرار دهد؛

ب) انجام عملیات آزادی ناوبری برای به چالش کشیدن

درخواستی از سوی آمریکا بود تا چین، ایالات متحده و کشورهای منطقه را مطمئن سازد که خیزش چین با شفافیت صورت می‌گیرد (Ibid, 8).

از جمله تضمین‌هایی که ایالات متحده از چین درخواست کرده بود، موارد زیر هستند:

الف) شفافیت و اطمینان در زمینه فعالیت‌های نظامی چین در هوا، دریا و فضا و همچنین تسلیحات هسته‌ای و حوزه سایبری؛

ب) تضمین در زمینه تقاضای منابع از سوی چین در کشورهای سودان، زیمبابوه و میانمار؛

ج) تضمین در مورد روابط اقتصادی چین و آمریکا برای کاهش سوء تفاهمات برای جلوگیری از منتهی شدن به جنگ تجاری (Ibid, 8).

با وجود این در دو سال اول دولت اوپاما، سیاست اطمینان-دهی مجدد راهبردی به دلیل مخالفت‌های چین به شکست منتهی شد. چین با ادعاهای خود بر دریای چین جنوبی، گسترش فعالیت دریایی، مخالفت با گوگل و نقش انسدادی در مذاکرات تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۰۹ در کپنهاگ، سیاست اطمینان مجدد راهبردی آمریکا را به شکست منتهی کرد. پس از شکست سیاست اطمینان‌دهی مجدد راهبردی، اوپاما سیاست موازنه مجدد را در دستور کار آمریکا قرار داد که ترکیبی از مذاکره و اقدام بود.

تلاش برای حضور گسترده‌تر ایالات متحده در منطقه
پایه اساسی رویکرد آمریکا در قبال چین همکاری نزدیک‌تر با کشورهای آسیا-اقیانوسیه و سازمان‌های منطقه‌ای است. همکاری‌ها شامل تجارت و سرمایه‌گذاری روبه افزایش،

منطقه آسیای شرقی فراهم نماید (Chadha, Ibid: 31). شایان ذکر است که در سال ۲۰۱۱ چین با ورود آمریکا به اجلاس آسیای شرقی قاطعانه مخالف بود. اظهارات چینی‌ها در مورد موازنه مجدد اوپاما در آسیا نشان می‌دهد که آنها این سیاست را در راستای فشار آوردن به چین و یا حداقل کاهش نفوذ و قدرت چین می‌دانند (Sun, 2016: 71). می‌توان انتظار داشت که تنش‌های اقتصادی و راهبردی بین دو کشور در سال‌های آینده افزایش خواهد یافت. اگرچه هر یک به دنبال جلوگیری از برخورد بویژه در حوزه نظامی هستند اما رقابت‌های دو کشور در حوزه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی عمیق‌تر می‌شود (Gupta, Ibid: 111).

ادعاهای سرزمینی چین و آن دسته از ادعاها می‌باشد که با تبلیغات آمریکا مغایر با حقوق بین‌الملل جلوه داده می‌شود؛ (ج) تعامل گسترده با کشورهای همسوی سیاست‌های ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی مانند ژاپن و استرالیا برای ایجاد ظرفیت‌های هوایی و دریایی، تا کشورهای تحت تأثیر مناقشات فضایی هوایی و دریایی خود را در جهت خواسته آمریکا مدیریت کنند.

گسترش حضور نظامی ایالات متحده در آب‌ها و حریم هوایی دریای چین جنوبی، چالش‌های بیشتری را برای ادعاهای ارضی چین ایجاد می‌کند (Revere, 2016: 8). آمریکا تلاش می‌نماید تا با استفاده از سیاست موازنه مجدد اهرمی را برای حفظ رشد اقتصادی خود و نفوذ راهبردی در

کشورهای عضو در سازمان‌های منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه





رویکرد آمریکا برای تأثیرگذاری بر معماری امنیتی

منطقه

در منطقه آسیا و اقیانوس آرام، سه ردیف از تعاملات امنیتی در جریان است که هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد: روابط مبتنی بر اتحاد، روابط مبتنی بر عملکرد و نهادهای منطقه‌ای. استرالیا، ژاپن و ایالات متحده هر کدام با ترکیبی از رویکردهای جداگانه، دوجانبه و سه‌جانبه، هر یک از این سه سطح معماری منطقه‌ای را شکل داده‌اند (Sahashi, 2015: 92).

تعاملات دوجانبه و سه‌جانبه این سه کشور دارای پتانسیل مهمی برای ایجاد معماری امنیتی منطقه‌ای است. همکاری‌های امنیتی ایالات متحده، استرالیا و ژاپن می‌تواند منتهی به تعمیق همکاری‌ها با آسه‌آن، هند، کره جنوبی و دیگر کشورهای منطقه شود (Ibid, 96). قوانین دفاعی اصلاح شده ژاپن می‌تواند این کشور را قادر به محافظت از نیروی دفاعی استرالیا سازد. مبادلات اطلاعاتی سه‌جانبه در آگاهی از وضعیت در فضا، فرماندهی، کنترل نیروها و عملیات‌های سایبری نیز چشم‌انداز محکمی در این همکاری هستند. این ادغام عمیق‌تر از همکاری‌های سه‌جانبه، تلاشی از سوی آمریکا برای ایجاد شبکه‌ای از اتحاد منطقه‌ای سنتی در آسیای شرقی است. این سه کشور همچنین از دیگر شرکای بالقوه مانند کره جنوبی و نیوزیلند نیز برای سرعت بخشیدن به مشارکت خود در این فرایند دعوت کرده‌اند (Ibid, 94). واشنگتن همچنین برخی

کمک‌های آموزشی نظامی بین‌المللی و مقدار بسیار محدودی از کمک‌های فروش نظامی خارجی را برای مالزی فراهم می‌کند (Green, Ibid: 96). ایالات متحده دو رادار ان‌تی پی وای-۲ ایکس-باند^۱ را در ژاپن مستقر کرده است. یکی در شریکی در شمال ژاپن مستقر شده است و دومی نیز در کیوگامیساکا بزودی عملیاتی خواهد شد. این رادارها اطلاعاتی را در مورد موشک‌های شلیک شده از شمال شرقی آسیا به ژاپن و آمریکا فراهم می‌کند. سیستم دفاع موشکی زمین‌محور پاتریوت قابلیت دفاع موشکی و هوایی را دارد. واحدهای پاتریوت آمریکا در اقیانوسیه در ژاپن و کره جنوبی مستقر هستند. در حالیکه سیستم پاتریوت علیه تهدیدات رده پایین‌تر مقابله می‌کند، سیستم تاد دسترسی بیشتری به موشک‌های دوربرد در حال پرواز فراهم می‌کند و تنها سیستم دفاع موشکی است که قابلیت رهگیری تهدیدات داخل و خارج از جو را دارد. ایالات متحده هم اکنون چهار سیستم تاد فعال را در اختیار دارد و تلاش می‌نماید همکاری‌های خود را در زمینه فناوری دفاع موشکی و عملیاتی با ژاپن توسعه دهد. یک سامانه تاد آمریکا هم اکنون در گوام مستقر شده است.

برطبق برآورد تحلیلگران، چین دارای چند صد موشک کروز و بالستیک و موشک‌های بالستیک با برد لازم برای هدف قرار دادن پایگاه‌های ایالات متحده در ژاپن و کره جنوبی است. به‌زعم آمریکا مقابله با این موشک‌ها نیاز به استقرار تعداد مساوی از رهگیرها توسط ایالات متحده در کره جنوبی و ژاپن دارد (Ibid, 139).

¹ AN/TPY-2 X-band radars

اقتصادی موردنظر آمریکا شکل گرفت. این طرح در صورت پیاده‌سازی چالشی عمده برای رشد چین ایجاد می‌کرد (Mishra, Ibid: 163-164).

برطبق بررسی‌ها تا سال ۲۰۲۰، تخمین زده می‌شود که شراکت فراپاسفیک در صورت پیاده‌سازی موجب کاهش تولید ناخالص داخلی چین به میزان ۰.۳ درصد می‌شود و باتوجه به انحراف در تجارت، تا سال ۲۰۲۵ حدود ۱.۲ درصد از صادرات چین کاهش می‌یابد (Economy, 2016: 5). چین بطور فعالانه در حال ارتقای یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای در آسیای شرقی است و مقامات چینی دستورکار شراکت فراپاسفیک را به عنوان ابزاری برای برهم زدن ادغام اقتصادی در منطقه در نظر می‌گیرند (Wen, 2012: 1). قصد عمده ایالات متحده در شکل‌دهی شراکت فراپاسفیک مقابله با رشد چین در شرق آسیا با کاهش وابستگی اقتصادی کشورهای آسیا-اقیانوسیه به چین بود. در این توافقنامه در صورت اجرایی شدن، چین از فرایند ادغام اقتصادی منطقه‌ای حذف می‌شد (Ibid, 2). شراکت فراپاسفیک نه تنها وسیله‌ای برای رسیدن آمریکا به منافع اقتصادی بود، بلکه تلاشی برای تضعیف روابط اقتصادی چین در آسیا فراهم می‌کرد. توافق‌های تجاری آزاد چین با آسه‌آن، تایوان و آسه‌آن به اضافه سه، ترتیبات اقتصادی چین برای یکپارچه‌سازی اقتصادی منطقه در چند سال گذشته بوده است. جدای از گرفتن ابتکار عمل از چین، شراکت فراپاسفیک سبب تضعیف قدرت سیاسی چین در منطقه می‌شد. زیرا وابستگی اقتصادی کشورهای منطقه را به چین کاهش می‌داد (Gupta, Ibid: 110).

آمریکا به ایجاد حلقه‌ای از ترتیبات امنیتی متنوع با جنبه نظامی و همچنین ایجاد حلقه‌ای از توافقنامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه پیرامون چین با تنظیم قواعد اقتصادی پرداخته است. مهمتر از همه اینکه شراکت فراپاسفیک لایه‌ای کنترلی به قوانین تجارت بین‌المللی اضافه می‌کند که شرایط را برای مشارکت مؤثر چین در تطبیق محیط تجارت با اهدافش سخت‌تر می‌سازد. هدف دوم توافقنامه شراکت فراپاسفیک این است که کشورهای غیرعضو برای تجارت با کشورهای عضو توافقنامه، مجبورند تا استانداردهای موردنظر توافق را رعایت نمایند. به عنوان نمونه، شرکای تجاری غیرعضو برای امضا توافقنامه تجاری دوجانبه با کشورهای عضو باید استانداردهای شراکت فراپاسفیک را لحاظ کنند. در غیر اینصورت امکان امضا توافقنامه بین آنها وجود ندارد (Backer, 2014: 68). این معماری امنیتی باز با هدف کاهش نقش چین در کنش‌های منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است.

تلاش برای ایجاد منطقه‌گرایی باز توسط آمریکا
شراکت فراپاسفیک نمونه‌ای از منطقه‌گرایی باز^۱ است که به معنای وجود این امکان برای سایر کشورهای آسیا-اقیانوسیه برای عضویت در این توافقنامه است (Saunders, 2013: 7). آمریکا شراکت فراپاسفیک را به عنوان ستون اقتصادی سیاست موازنه مجدد در آسیا در نظر گرفته بود. این طرح به منظور تجارت آزاد، با هدف آزادسازی تجارت در محصولات و خدمات، جذب سرمایه‌گذاری و فعال کردن بسترهای رشد و توسعه

¹ Open Regionalism



۲۰۱۱ به حالت طبیعی بازگشت. دو ماه بعد در ۱۹ سپتامبر سال ۲۰۱۱، تفاهم‌نامه‌ای برای پیشبرد همکاری دفاعی دوجانبه^۱ امضا شد (Mishra, Ibid: 161-162). در ژوئن ۲۰۱۵ در پی سفر اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا به هانوی، بیانیه چشم‌انداز مشترک که بروزرسانی شده تفاهم-نامه همکاری در سال ۲۰۱۱ بود، امضا شد. برطبق این بیانیه همکاری‌های نظامی آینده بین دو کشور به تولید سیستم‌های تسلیحاتی منجر خواهد شد. در این سفر، کارتر از کمک ۱۸ میلیون دلاری آمریکا به ویتنام برای خرید قایق‌های گشتی آمریکایی خبر داد. در اکتبر سال ۲۰۱۴، واشنگتن تا حدی ممنوعیت در فروش سخت‌افزارهای نظامی به ویتنام را برداشته بود. هانوی در حال حاضر مجاز به خرید تجهیزات امنیت دریایی است. در حال حاضر بیشترین همکاری بین ایالات متحده و ویتنام براساس اولویت ویتنام در حوزه دریایی متمرکز شده است (Green, Ibid: 107). ایالات متحده رزمایش‌های دریایی مشترکی را در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ با ویتنام انجام داده است (Ross, Ibid: 31). ایالات متحده و ویتنام همچنین تفاهم‌نامه‌ای را در زمینه همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی با یکدیگر امضا کرده‌اند (Ibid, 32).

مالزی: روابط نظامی بین مالزی و ایالات متحده برای چندین دهه رو به گسترش باقی مانده است. از سال ۲۰۱۰، مالزی بطور چشمگیری در رزمایش‌های چندجانبه، مانند ریمپک^۲ و طلای کبری^۳ شرکت کرده است (Green,

پکن دستورکار شراکت فراپاسفیک را به عنوان دست‌اندازی ایالات متحده به حیاط خلوت چین در نظر گرفته است (Wen, Ibid: 7). در مقایسه با تأثیر شراکت فراپاسفیک در صورت اجرایی شدن بر اقتصاد چین، وضعیت جغرافیایی سیاسی چین با تهدیدی حتی بزرگتر در طولانی‌مدت مواجه خواهد شد. در واقع اجرای شراکت فراپاسفیک در راستای ایجاد بستر برای کشورهای عضو آسه‌آن و دیگر کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا در شرق آسیا به منظور نزدیک‌تر شدن به سیاست‌های آمریکا طراحی گردیده است. در حال حاضر این توافقنامه تهدیدی بزرگ برای تحرکات راهبردی چین در منطقه شرق آسیا است (Ibid, 5). بطور کلی ایجاد معماری تجارت منطقه‌ای در منطقه آسیا-اقیانوسیه، بازکردن بازارهای صادراتی و تلاش برای ایجاد شبکه‌ای از کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا در پیرامون چین از اهداف سیاست موازنه مجدد اوپاما در منطقه بوده است (Backer, Ibid: 67).

رشد همکاری‌های ایالات متحده با کشورهای جنوب شرقی آسیا

ویتنام: در میان تمام کشورهای عضو آسه‌آن، به نظر می‌رسد که ویتنام بیشتر از سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا حضور بازیگران فرامنطقه‌ای را در منطقه ترجیح می‌دهد. همکاری‌های دفاعی ویتنام و آمریکا اخیراً تعمیق و گسترش یافته است. هرچند هر دو کشور در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۶۵ با یکدیگر جنگیدند، اما روابط در جولای

¹ Advancing Bilateral Defense Cooperation

² RIMPAC

³ COBRA GOLD

تجارت دفاعی ایالات متحده و هند در طی سه سال گذشته افزایش یافته است، از جمله خرید هواپیماهای سی-۱۷، سی-۱۳۰ و پی-۸ آی. همکاری امنیتی آمریکا با اندونزی، مالزی، سنگاپور و برونئی رشد کرده است. فروش تجهیزات نظامی ایالات متحده به اندونزی نیز گسترش یافته است که شامل هلیکوپترهای آپاچی آچ-۶۴ ایو هواپیماهای اف-۱۶ می‌باشد (Ibid, 172). فروش تسلیحات عمده از قبیل تجهیز نیروی هوایی سنگاپور با ناوگان اف-۱۶ و جنگنده‌های اف-۳۵ سبب افزایش مناسبات دفاعی دو کشور شده است.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مجموعه وسیعی از تلاش‌های آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما برای تعامل و تمرکز بر منطقه آسیا-اقیانوسیه، تغییرات گسترده‌ای در نظم منطقه صورت گرفته است. اوباما و دولت او با هدف قرار دادن منطقه و اجرای سیاست‌ها در سه سطح دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی سعی کردند تا اختلاف فاصله بین قدرت چین و همسایگان را در منطقه کاهش دهند. نکته بعدی که در دوره اوباما مورد-توجه آمریکا قرار گرفت، تلاش برای ایجاد توانایی تنظیم دستورکار^۱ برای منطقه بود. هدف از این سیاست تحمیل خواست‌ها و نظرات این کشور در راستای تحقق منافع خود در منطقه بود. به‌زعم آمریکا اگر مناسبات اقتصادی چین و همسایگانش افزایش یابد، قدرت تأثیرگذاری این کشور بر آنها افزایش می‌یابد.

(Ibid: 172). مالزی به آمریکا برای پرواز برخی از هواپیماهای نظارتی پی-۳ و پی-۸ در دریای چین جنوبی اجازه داده است. آمریکا به منظور تضعیف قدرت چین به همکاری‌های گسترده‌تر با مالزی روی آورده است.

سنگاپور: ایالات متحده تلاش می‌نماید تا حضور نظامی خود را در روندی فزاینده در سنگاپور حفظ نماید. این کشور بزرگترین استفاده‌کننده پایگاه دریایی چانگی است که عملیات هواپیماهای آمریکایی را در جنوب شرقی آسیا تسهیل می‌کند. هر ساله، بیش از ۱۰۰ کشتی نیروی دریایی و بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ هواپیمای نیروی هوایی آمریکا از سنگاپور عبور می‌کنند. تحت برنامه‌های فعلی، تا چهار کشتی جنگی ایالات متحده نیز قرار است که در سنگاپور مستقر شوند. بدون دسترسی‌های ارائه شده توسط سنگاپور، ارتش ایالات متحده قادر به انجام عملیات مؤثر در منطقه نخواهد بود.

سنگاپور و ایالات متحده یادداشت تفاهم در زمینه دسترسی نظامی آمریکا به شهرهای سنگاپور در ۱۹۹۰ و توافقنامه چارچوب راهبردی را در ۲۰۰۵ امضا کردند. دو کشور توافقنامه همکاری دفاعی پیشرفته جدیدی را در اواخر سال ۲۰۱۵ به امضا رساندند که شکل جدیدی از همکاری‌ها را بین دو کشور ایجاد می‌کند، هرچند که هیچ تغییرات اساسی در استقرار نیروهای ایالات متحده رخ نمی‌دهد (Ibid, 100). علاوه بر این، سنگاپور فعالیت‌های آموزشی را با نیروی هوایی آمریکا در کشور این کشور انجام می‌دهد که در راستای افزایش تعاملات نظامی بین دو کشور می‌باشد.

¹ Agenda Setting

لاتین:

1-Backer, Larry Cata (2014). The Trans-Pacific Partnership: Japan, China, the U.S., and the Emerging Shape of a New World Trade Regulatory Order. *Washington University Global Studies Law Review*. Vol. 13. Issue. 1. Spring.

2-Chadha, Vivek (2014). *Military Implications of the US Rebalancing Strategy, Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security)*. Institute for Defense Studies & Analyses (Pentagon Press). First Published. New Delhi.

3- De Castro, Renato Cruz (2013). The Obama Administration's Strategic Pivot to Asia: From a Diplomatic to a Strategic Constraint of an Emergent China? *The Korean Journal of Defense Analysis*. Vol. 25. No. 3. September.

4-Dormandy, Xenia (2013). China, The Next Chapter: President Obama's Second-Term Foreign Policy. *Chatham House*. London. January.

5- Economy, Elizabeth (2016). Objectives and Future Direction for Rebalance Economic Policies. *Council on Foreign Relations*. 31 March.

6- Green, Michael (2016). Asia-Pacific Rebalance 2025 Capabilities, Presence and Partnerships. *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*. January.

7- Gupta, Rukmani (2014). *US Pivot to Asia and China: Rhetoric, Responses and Repercussions, Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security)*. Institute for Defense Studies & Analyses (Pentagon Press). First Published, New Delhi.

8- Layne, Christopher (2008). China's Challenge to US Hegemony. *Current History*. January.

9- Lynch, Megan S. (2015). Sequestration as a Budget Enforcement Process: Frequently Asked Questions. *Congressional Research Service*. 1 December.

10- Manyin, Mark E. et al (2012). Pivot to the Pacific? The Obama Administration's Rebalancing, Toward Asia. *Congressional Research Service*. 28 March.

11- Mishra, Rahul (2014). *The US Rebalancing Strategy: Responses from Southeast Asia, Asian Strategic Review*. Institute for Defense Studies & Analyses (Pentagon Press). First Published, New Delhi.

ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری اوباما تلاش کرده است تا با ایجاد منطقه‌گرایی باز که عنصر کلیدی آن فراهم کردن زمینه برای شرکت سایر کشورهای فرمانطقه‌ای در همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای شرقی است، تلاش نماید تا تعاملات میان چین و کشورهای همسایه‌اش را با چالش مواجه سازد. در این راستا در این دوره شراکت فراپاسفیک به عنوان سیاستی در جهت مشارکت کشورهای نظیر کانادا، مکزیک، پرو و شیلی در همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای در حال شکل‌گیری بوده است.

در بعد امنیتی نیز همکاری‌های مشترک ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و ایالات متحده، ژاپن، هند زمینه‌های لازم برای تأثیرگذاری بیشتر ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی پس از دوره‌ای از کاهش تمرکز در دوران جورج دبلیو بوش فراهم کرد. مهمترین دغدغه امنیتی ایالات متحده در سال‌های اخیر رشد قدرت نظامی چین در منطقه و قابلیت‌های چند وجهی نظامی این کشور بوده است. با این حال در پی خروج ایالات متحده از توافقنامه فراپاسفیک در سال ۲۰۱۷، بار دیگر ادغام اقتصادی منطقه‌ای که در محوریت آن ایالات متحده آمریکا قرار داشت، با ضعف روبرو شده است.

فهرست منابع

فارسی:

۱- بوزان، باری (۱۳۸۹)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، چ ۲، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۲)، *نظریه‌های امنیت*، چ ۲، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.



- 12- Revere, Evans J.R. (2016). *U.S. Policy and East Asian Security: Challenge and Response. Building a Regional Order in East Asia: Community, Competition, Conflict*. National Committee on American Foreign Policy. First Published, New York.
- 13- Ross, Robert S. (2013). US Grand Strategy, the Rise of China, and US National Security Strategy for East Asia. *Strategic Studies Quarterly*. Summer.
- 14- Sahashi, Ryo (2015). Australia, Japan, and US Trilateral Cooperation in the Regional Security Architecture. US-Japan-Australia Security Cooperation Prospects and Challenges. *Stimson Center*. Washington DC. April.
- 15- Saunders, Phillip C. (2013). The Rebalance to Asia: U.S.-China Relations and Regional Security. *Institute for National Strategic Studies*. Vol. 1. No. 281. August.
- 16- Sun, Zhe (2016). *Building a Security Community in Asia-Pacific Region: Can China Contribute? Building a Regional Order in East Asia: Community, Competition, Conflict*. National Committee on American Foreign Policy. New York.
- 17- Sutter, Robert G. et al. (2013). Balancing Acts: The U.S. Rebalance and Asia-Pacific Stability. *The George Washington University*. August.
- 18- Tsai, Sabrina (2013). Obama's Second Term in the Asia-Pacific Region Reflecting on the Past, Looking to the Future. *Project 2049 Institute*. September.
- 19- Whyte, Leon and Weitz, Richard (2015). Enough to Go Around? Money Matters Complicate U.S. Strategic Rebalance to Asia-Pacific. *Fletcher Security Review*. Vol. 2. No.1. January.
- 20- Wen, Jin Yuan, (2012). The Trans-Pacific Partnership and China's Corresponding Strategies. *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*. June.